نابرابری‌های شهری تهدیدی برای امنیت اجتماعی تهران، رویکردی در جغرافیای سیاسی

دکتر معصومه نصیری[1]
دکتر هادی اعظمی[2]

شماره مقاله: ۱۳

چکیده

نویسنده در این مقاله به بررسی یکی از مهمترین عوامل تهدید امنیت ملی یعنی – نابرابری‌های شهری – می‌پردازد. موقعیت کنونی کشور ایران که مراحل گذار تاریخی خود را می‌گذراند، سبب رشد بی‌رویه جمعیت شهری و افزایش نابرابری‌ها در مناطق مختلف آن گردیده و مدل خاصی از جغرافیای سیاسی شهری را ایجاد کرده است. این بررسی کوششی برای ارزیابی وجوه نابرابری با استفاده از شاخص‌های اشتغال و مسکن در مناطق ۲۲گانه شهر تهران است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در مناطق ۲۲ گانه تهران، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای از نظر فرصت‌های شغلی وجود دارد. به طوری که گروه شغلی کارگران ساده در بخش‌های جنوبی شهر بیش از نیمه شمالی آن متراکم هستند. همچنین بررسی‌های انجام شده راجع به پراکندگی فقر با استفاده از ساکنان چهارنفر به بالا ساکن در یک اتاق حکایت از آن دارد که مناطق متراکم فقر نیز به طور یکسان در شهر پراکنده نشده‌اند. چنانکه مناطق جنوب شهر، حوزه‌های متمرکز فقر را تشکیل می‌دهند. با توجه به شاخص‌های مورد بررسی، یکی از مهمترین منابع تهدید امنیت اجتماعی و ملی در تهران، نابرابری درپراکندگی مشاغل ابتدایی و فقر و تمرکز آن در جنوب شهر می‌باشد. با توجه به نکات مذکور باید اذعان کرد که نابرابری و محرومیت شهری، خطری مستقیم برای امنیت اجتماعی بشمار می‌آیند.

واژگان کلیدی: نابرابری، شهر، محرومیت، تهران، امنیت

[1] استادیار جغرافیای شهری، دانشگاه تربیت مدرس – مرکز مطالعات آفریقا Bail:m37nasiri@yahoo.com

[2] استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس – مرکز مطالعات آفریقا

مقدمه

امنیت ملی یکی از اهداف اصلی جوامع و نظام‌های سیاسی محسوب می‌شود. ایجاد و حفظ امنیت و در پی آن افزایش ثبات و توسعه منافع ملی، همواره مد نظر رهبران سیاسی و مردم کشورها است. بنابراین برای نیل به آن ضروری است تا اقدامات گوناگونی به عمل آید. یکی از اینگونه اقدامات، شناسایی تهدیدات و عوامل برهم زننده امنیت است. از مهمترین مقتضیات شرایط کنونی کشور درک واقع‌بینانه از جامعه، تحولات، فرصت‌ها، ظرفیت‌ها، تهدیدات ملی و نگرانی‌هایی است که در شرایط کنونی با آن مواجه هستیم. تنها با درک واقع‌بینانه از شرایط است که می‌توان با تدبیر و تمهید، به حل مشکلات جامعه همت گماشت و از فرصت‌ها برای تعمیق روند توسعه و تامین امنیت ملی کشور بهره‌برداری نمود. نمونه بارز این تهدیدها، شرایطی است که در زمینه نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در فضای شهرها وجود دارد. چنانچه شهر تهران به عنوان پایتخت کشور بالاترین سهم نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و در همان راستا بیشترین میزان جرم و جنایت را در بر می‌گیرد و بیشترین میزان بودجه نیروهای انتظامی کشور را در جهت حفظ ثبات و امنیت به خود اختصاص داده است. این مقاله در نظر دارد به یکی از منابع تهدید ملی کشور در عرصه امور اجتماعی و اقتصادی پرداخته شود. از این رو ابتدا به مفهوم امنیت ملی پرداخته می‌شود. سپس مفاهیم فقر، محرومیت و نابرابری‌های اجتماعی مطرح می‌شوند. سنجش نابرابری مناطق ۲۲ گانه تهران بر اساس شاخص‌های اشتغال و فقر مسکن مرحله اصلی پژوهش را تشکیل می‌دهند.

اهمیت موضوع

کشور ایران در سطح جهان یکی از کشورهایی است که با توجه به دیدگاه‌های سیاسی ویژه خود در زمینه اسلام و عدالت اجتماعی، از نظر سیاستگذاری‌های اقتصادی

و اجتماعی کاملاً زیر ذره‌بین سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی قرار دارد. بنابراین توجه به مشکلات و نابرابری‌های اقتصادی درون جامعه روزنه‌هایی را برای رویارویی واقع‌بینانه با مسایل فراهم می‌نماید. آشکار است که پس از شناسایی ابعاد مشکلات، شیوه‌های حل مسایل نیز در پی آن خواهد آمد. در این صورت عدالت اقتصادی و اجتماعی تحقق یافته و موقعیت سیاسی و اقتصادی کشور در سطح منطقه‌ای و جهانی بیش از پیش تثبیت خواهد شد.

طرح مسئله

در سال‌های اخیر شهر تهران همانند بسیاری از شهرهای بزرگ جهان همراه با رشد کالبدی، با افزایش فقر و محرومیت و نابرابرهای اجتماعی زیادی روبرو است. با توجه به اینکه شیوع فقر در میان اکثریت افراد یک جامعه می‌تواند قابل تحمل باشد، لیکن گسترش دامنه نابرابری‌های اقتصادی در میان طبقات گوناگون ،تاثیر بسزایی در افزایش استرس‌های اجتماعی و جرم‌خیزی دارد. با عنایت به اینکه در مباحث امنیت شهری سه عامل جمعیت، جغرافیا و جرم رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند، شهر تهران نیز همراه با افزایش جمعیت و رشد کالبدی خود مهمترین عرصه تضادها و نابرابری‌ها و جرم‌خیزی گشته است (پوراحمد،۱۳۸۱: ٥٤). چنانچه نیروهای انتظامی بیشترین بودجه‌های خود را صرف مقابله با جرایم و حفظ امنیت شهر می‌نمایند. از آنجا که حفظ ثبات و امنیت جامعه یکی از مهمترین اهداف سیاستگذاران کشور بشمار می‌رود، شناسایی مکان‌های جغرافیایی مظاهر نابرابری‌های اقتصادی می‌تواند کمک موثری برای برنامه‌ریزی مناسب جهت کاهش نابرابری‌ها و ایجاد امنیت اجتماعی و ملی داشته باشد.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت تحقیق، روش انجام آن توصیفی و تحلیلی می‌باشد. علی‌رغم تلاش‌های صورت‌گرفته در کشور برای اندازه‌گیری فقر و نابرابری، آمارهای ارائه شده در این زمینه همواره نتیجه یک کار پژوهشی بوده و هیچگاه به عنوان آمار رسمی از سوی یک سازمان خاص منتشر نشده است (http://www.src.ac.ir/news.htm#newsn8). از این رو در پژوهش حاضر با استفاده از سرشماری سراسری سال ۱۳۷۵ محرومیت و نابرابری در مناطق ۲۲ گانه تهران بر اساس شاخص‌های زیر انجام گرفته است:

اشتغال: درصد کارگران غیر ماهر به کل شاغلان

فقر مسکن: درصد خانوارهای چهار نفر به بالای ساکن در یک اتاق

در بررسی نابرابری و محرومیت معمولا ساکنان محدوده‌های جغرافیایی را با یکدیگر مقایسه می‌کنند. هرچه این محدوده‌ها کوچکتر انتخاب شوند دقت کار بیشتر است. زیرا پارامترهایی که برای یک محدوده بزرگتر محاسبه می‌شود میانگین مقادیر برای محدوده‌های کوچکتر بوده و لزوماً برابر با مقدارهای هر یک از آنها نیست. بنابراین سعی می‌شود هرگاه امکانات لازم به ویژه اطلاعات تفکیکی برای محدوده‌های کوچکتر وجود داشته باشد انتخاب این محدوده‌ها به عنوان واحد مطالعه ارجحیت یابد(معاونت اجتماعی مسکن، ۱۳۷۷: ۸). از این رو در پژوهش موردی تهران از سرشماری سراسری سال ۱۳۷۵ به تفکیک مناطق ۲۲گانه استفاده می‌شود. زیرا علیرغم گذشت چند سال از سرشماری فوق جامع‌ترین و قابل اتکاءترین اطلاعاتی است که در دسترس پژوهشگران قرار دارد. از سوی دیگر اطلاعات موردی و پراکنده حتی اگر جدیدتر از سال ۱۳۷۵ باشند تصویر واقع‌بینانه‌ای از وضع موجود ارائه نمی‌دهند. بدیهی است در صورت انجام سرشماری سال ۱۳۸۵ و انتشار اطلاعات دسته‌بندی شده آن که قطعاً بیش از دو یا سه سال به طول می‌انجامد امکان مقایسه دو سرشماری فراهم شده

و فرآیند تحولات در دهه روشن‌تر خواهد شد. روش کار پژوهش به این ترتیب بوده است که با استفاده از جداول خام مرکز آمار ایران تعداد و درصد کارگران ساده و خانوارهای چهارنفر به بالای ساکن در هر اتاق به تفکیک هر منطقه استخراج شده و نقشه‌های موضوعی آن تهیه گردد.

چارچوب نظری

امنیت ملی دارای اهمیت بالایی است و مفاهیم بسیار پیچیده،گسترده و متنوعی دارد. امنیت ملی را حفاظت جامعه در برابر ایجاد آسیب به نهادها و ارزش‌های بنیادین تعریف می‌کنند(Peterson,1985:57). در تعریفی دیگر امنیت به مفهوم حفاظت جامعه و ارزش‌ها و نهادهای داخلی آن در برابر تهدیدات داخلی و خارجی، یا تهدیداتی است که بقای رژیم‌ها و نظام شهروندی و شیوه زندگی افراد جامعه را مختل می‌کند و موجودیت آنها را به خطر می‌اندازد(قریب،۱۳۷۷ : ۱۰۲). امنیت تنها هدف واحدهای ملی نیست. کشورها در کنار اهداف امنیتی خویش، برخی اهداف دیگر را نیز تعقیب می‌کنند. یکی از آنها «اهداف مبتنی بر توسعه، آبادانی و تکامل» است. جمع میان اهداف امنیتی و اهداف مبتنی بر توسعه، آبادانی و تکامل اهداف ملی یک کشور را تشکیل می‌دهند(علیقی،۱۳۸۱: ۳۱۹).

شکل ۱: عوامل موثر بر اهداف ملی

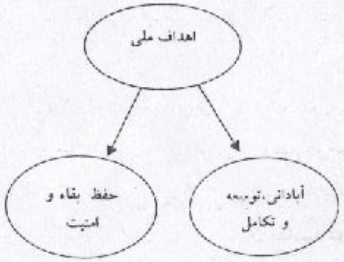

سابقه امنیت ملی به شکل‌گیری دولت‌های ملی در قرن هفدهم باز می‌گردد(Haftendorn,1991: 6). در گذشته‌ای نه چندان دور معنای سنتی امنیت ملی عبارت از کسب و حفظ قدرت نظامی بود. به عبارت دیگر دستیابی به قدرت نظامی بالاتر، الگوی غالب امنیت ملی بود و موجودیت کشورها با داشتن ارتش قوی و قدرت نظامی برتر تامین می‌شد. این مفهوم به دلیل تحولات عظیم سیاسی و اجتماعی که در اواخر قرن بیستم صورت گرفته، اهمیت بیشتری یافته است. به این ترتیب که با رشد اقتصاد و تجارت بین‌المللی و پیشرفت علم و تکنولوژی نگرش سیاستمداران نسبت به امنیت ملی نیز متحول گردیده و علاوه بر بعد نظامی، ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را نیز در برگرفت. بر اساس این تحول، امنیت ملی برای هر کشور هنگامی تحقق می‌یافت که علاوه بر توانمندی نظامی، در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز برتر باشند(خلیلی،۱۳۸۱ : ٤٢٦). در نگرش سنتی امنیت ملی که بر توان نظامی کشورها تاکید می‌شد، مهمترین منبع تهدید نیز در خارج از مرزهای ملی تصور می‌گردید(Klans,1971:8). بر این اساس «توان یک ملت برای حفظ ارزش‌های داخلی از تهدیدات خارجی» مبنای تعریف امنیت ملی قرار می‌گرفت (بصیری،۱۳۸۰ :١٦٦). بنابراین امنیت ملی بیش از آن که متاثر از امور داخلی کشور باشد، مبتنی بر نظام آشفته بین‌المللی بود. این نگرش نسبت به امنیت بتدریج متحول شد. چنانچه در کنار تهدیدات خارجی، منابع داخلی امنیت در ابعاد مختلف آن اهمیت ویژه‌ای یافت. به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران تهدیدهایی مانند بحران هویت، بحران مشروعیت، فقر و محرومیت و نابرابری اقتصادی – اجتماعی و ... در کنار تهدیدهای نظامی مطرح و حتی مهم‌تر از آن تلقی می‌شوند (رنجبر،۱۳۸۱ :۸٦). طبق اصل ۱۷٦ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز وظایف شورای عالی امنیت ملی، تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی است که بدین منظور

«شورای عالی امنیت ملی» به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد (http://fa.wikisource.org/wiki).

تعیین سیاست‌های دفاعی – امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری؛

هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی – امنیتی؛

بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.

همچنان که در اصل ۱۷۶ قانون اساسی کشور ملاحظه می‌شود هماهنگی فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی جهت تامین منافع ملی مورد تاکید قرار گرفته است.

بر اساس چنین نگرشی امنیت ملی کشورها علاوه بر عرصه تهدید نظامی، در عرصه محرومیت و نابرابری‌های اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در داخل کشور نیز آسیب‌پذیر هستند. برای بررسی بیشتر محرومیت و نابرابری، در سطور زیر تعاریف آن مورد بررسی قرار می‌گیرند.

تعریف مفاهیم فقر، محرومیت و نابرابری

مفهوم فقر و محرومیت مانند سایر مفاهیم علوم اجتماعی در طول زمان از سوی اندیشمندان مختلف در معانی گوناگونی مورد استفاده قرار گرفته است. حوزه‌های گوناگونی چون اقتصاد، جامعه‌شناسی و سیاست از عرصه‌هایی بوده که همواره این مفهوم با توجه به نگرش عالمان اجتماعی در آن مطرح گشته است (http://www.bedoonemarz.com/sina/left/poverty02.htm). در همین راستا

ساده‌ترین و متداول‌ترین تعریف فقر، تعریف اقتصادی آن می‌باشد. معمولاً در تعاریف متداول، فقر را به فقر مطلق و فقر نسبی تقسیم می‌کنند. فقر مطلق، فقری است که فرد در تامین حداقل نیازهای پایه برای معیشت، شامل تغذیه، مسکن و بهداشت دچار مشکل باشد. به همین ترتیب خط فقر مطلق، میزان درآمدی است که شخص با کمتر از آن نتواند احتیاجات اصلی خود را تأمین نماید. در اولین تحقیقات فقر، نیازهای پایه‌ای برای انسان در نظر گرفته شده بود که عدم تأمین آنها موجب می‌شد تا افراد نتوانند زنده بمانند. مهمترین این پیمایش‌ها کار «بوث» و «رونتری» بود. آنها تغذیه، مسکن و پوشاک را نیازهای اساسی انسانی تشخیص داده بودند و در نتیجه عدم تأمین آنها را نشانه فقر می‌دانستند. یکی از مهمترین انتقاداتی که به محاسبه خط فقر مطلق وارد می‌شود همین تفاوت تعریف نیازهای پایه انسانی است. در اصل توافقی بر روی نیازهای اساسی وجود ندارد تا تنها بر مبنای آن فقر تعریف شود. به عنوان مثال: سازمان جهانی بهداشت تنها بر اساس میزان کالری مصرفی روزانه، خط فقر را تعریف می‌کند که در اصل خط سوء تغذیه است. انتقاد مهم دیگری که به این تعریف می‌شود در نظر نگرفتن نیازهای اجتماعی انسان در تعیین خط فقر است. به هر حال انسان در کنش با سایر انسان‌ها است و عدم توجه به نیازهای اجتماعی او وضعیت بهداشتی و معیشتی او را مخدوش می‌کند. از این رو بتدریج واژه فقر نسبی مطرح گردید. فقر نسبی مفهومی مقایسه‌ای و راه حل عالمان اجتماعی برای غلبه بر انعطاف‌ناپذیری اندازه‌گیری فقر مطلق است. در فقر نسبی، افرادی فقیر به شمار می‌روند که نتوانند استاندارد زندگی در جامعه خود را برآورده کنند. فقر نسبی استانداردهای زندگی در یک جامعه خاص در زمان معین را مشخص می‌کند. اما همواره سوال اصلی در مورد فقر نسبی آن است که چگونه باید اندازه‌گیری شود.

«تاون‌سند» برای مشخص کردن فقر و محرومیت، از مفهوم جدیدی با عنوان محرومیت نسبی استفاده کرد. از نظر او همه گروه‌های اجتماعی دسترسی برابر به همه

خدمات اجتماعی ندارند و به دلیل برخی تبعیض‌ها از خدمات یکسان برخوردار نمی‌شوند. بنابراین محرومیت، مفهومی جایگزین برای فقر است که به سبک زندگی افراد مربوط می‌شود. محرومیت در مفهوم کلی به معنای عدم دستیابی به امکانات زندگی است. محرومیت در حوزه‌های مختلف تعریف شده است. مفهوم این واژه در حوزه سیاسی عبارت است از : «عدم امکان حداقل مشارکت در تعیین موقعیت و تصمیم‌گیریهای سیاسی در یک محدوده معین جغرافیایی یا ملی». در حوزه اقتصادی عبارت است از: « عدم دسترسی به درآمد لازم برای دستیابی به حداقل زندگی». در حوزه اجتماعی ـ فرهنگی نیز عبارت از: «عدم برخورداری از حداقل شرایط اجتماعی – فرهنگی برای پذیرفته شدن به عنوان یکی از اعضای جامعه و تامین حداقل نیازهای فرهنگی». فقر و محرومیت از ابتدا با مفاهیمی چون نابرابری درهم آمیخته و اکنون با مطرح شدن مفاهیمی چون توسعه، رفاه و برنامه‌ریزی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر پیچیدگی آن افزوده شده است.

محرومیت با نابرابری تفاوت دارد. معنای پایه‌ای نابرابری عبارت است از: تمایز بین افراد، به نحوی که بین زندگی آنها به ویژه از نظر حقوق، فرصت‌های زندگی، پاداش‌ها و امتیازات، اختلاف آشکار و پنهان زیادی وجود داشته باشد (گرب،۱۳۷۷: ۱۰). نابرابری در کلی‌ترین مفهوم آن عبارت از وجود محسوس «سطوح نابرابری» در برخورداری بالقوه از توان‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... درون یک حوزه یا میان چند حوزه جغرافیایی در چارچوب یک واحد بزرگتر مفروض است. در جوامعی که در آن نابرابری حاکمیت داشته باشد، فرصت‌های پیشرفت به طور عادلانه توزیع نشده است. جوامع بشری به راحتی می‌توانند فقر و محرومیت را تحمل نمایند ولی آنچه که برای هیچ جامعه‌ای قابل تحمل نیست تبعیض و نابرابری است که موجب سلب امنیت ملی و اجتماعی جامعه می‌گردد. نابرابری عوارض ناخواسته بسیاری را ایجاد می‌کند. تحقیقات «میشل یاتس» استاد اقتصاد در دانشگاه پیتزبورگ

آمریکا نشان می‌دهد که اگر دو منطقه با میانگین درآمدی مساوی داشته باشیم، در منطقه‌ای که نابرابری درآمدی بیشتری دارد «سلامت اجتماعی» کمتری مشاهده می‌شود. این مقیاس برای خصایص اجتماعی زیادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای مثال: میزان درآمد کل، نیمه فقیر خانوارهای هر منطقه که مقیاسی از نابرابری درآمدی است، با نرخ مرگ و میر همان منطقه نسبت معکوس دارد. به علاوه، مناطقی که نابرابری درآمدی در آنها بیشتر است، دارای نرخ بیکاری بالاتر و تعداد زندانیان بیشتر هستند و درصد بیشتری از جمعیت‌شان از مشکلات پزشکی رنج می‌برند. مناطقی که نابرابری درآمدی بیشتری دارند، مقدار کمتری برای تعلیم و تربیت هر فرد هزینه می‌کنند؛ این مناطق وضعیت آموزشی ضعیف‌تری داشته و درصد کمتری از افراد، از مراکز آموزش دانشگاهی فارغ‌التحصیل می‌شوند (http://www.sapidadam.com/politics/politics_1809337_faqher.htm).

با توجه به موارد فوق یکی از معیارهای اساسی توسعه کاهش نابرابری و محرومیت در بهره‌مندی از منابع، دست‌آوردها و امکانات است. مفهوم توسعه، علاوه بر رشد در زمینه‌های مختلف، بهبود توزیع را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین بررسی عملکرد اجتماعی – اقتصادی و فرهنگی مدیریت جامعه و نشان دادن راه‌های بسط تعادل، وجه اساسی دسترسی به عدالت و امنیت اجتماعی و کاهش نابرابری است. در این راستا بین عدم امنیت اجتماعی و نابرابری‌های شهری روابط متقابل وجود دارد. به این ترتیب که امنیت سبب افزایش توسعه‌یافتگی وکاهش نابرابری‌ها می‌گردد و بالعکس وجود نابرابریهای شهری بستر توسعه نیافتگی و عدم امنیت اجتماعی را فراهم می‌سازد.

شکل ۲: رابطه متقابل نابرابری و عدم امنیت

نابرابری شهری ⟷ عدم امنیت اجتماعی

پژوهش‌های مختلف در زمینه آسیب‌های شهری نشان می‌دهند که در بسیاری موارد وجود محرومیت و نابرابری‌های اجتماعی در فضای شهرها سبب بروز نارضایتی در افراد و سپس زمینه‌سازی برای بروز رفتارهای خلاف ثبات اجتماعی در مناطق مختلف شهرها می‌گردد (افتخاری،۱۳۸۱ :۳۴۹). در مناطقی که نابرابری درآمدی در آنها بیشتر است، نرخ جرم و جنایت بیشتر است.

شکل ۳: عوامل بروز ناامنی شهری

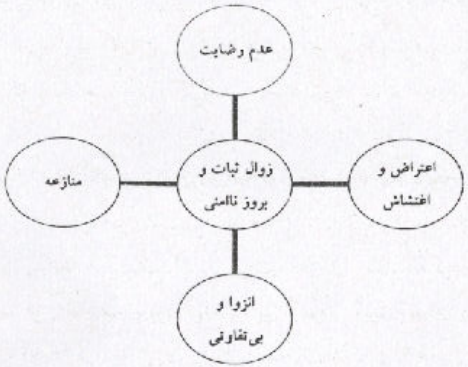

یکی از شاخص‌های نابرابری اجتماعی، فقر و بیکاری است. در گزارشات توسعه انسانی صندوق برنامه سازمان ملل متحد نیز تایید شده است که ، سطوح پایین شاخص‌هایی از جمله فقر و بیکاری از عوامل موثر بر کاهش امنیت کشورها به شمار می‌آیند (السعید،۱۳۸۱ : ۳۸۸). وجود فقر نسبی در کشور ، بیکاری تعدادی از جوانان جویا و نیازمند کار، توزیع نابرابر امکانات، رشد بی‌رویه جمعیت در سال‌های گذشته و ...، زنگ هشداری به مسئولان سیاسی و اقتصادی هر کشوری هستند (موسی خانی،۱۳۸۲: ۳۹). از این رو یکی از مهمترین اهداف سیاستگذاریهای کلان کشورها

دستیابی همه شهروندان به شاخص‌های توسعه اقتصادی – اجتماعی و فرهنگی و کاهش بیش از پیش محرومیت اجتماعی و نابرابری‌های شهری است.

شاخص‌های محرومیت و نابرابری

آنچه برای تشخیص نابرابری اهمیت دارد تعیین حوزه‌های قیاس منطقی از یکسو و تعریف شاخص‌های کمی، منطقی و قابل دسترس از سوی دیگر است. برای نشان دادن میزان نابرابری و محرومیت شاخص‌های فراوانی وجود دارد که با تجزیه و تحلیل آنها می‌توان سطح نابرابری را تعیین کرد. در برنامه‌ریزی‌های شهری جهت رفع تبعیض و نابرابری و ایجاد امنیت اجتماعی و ملی در شهرها ایجاب می‌نماید تا به جای مرزبندی ابتدایی و ساده‌انگارانه مناطق مختلف شهر تحت عنوان مناطق محروم و مناطق برخوردار، نقاط زیستی و مراکز جمعیتی را بر اساس شاخص‌های مربوطه تقسیم‌بندی نموده و برای رفع محرومیت هر منطقه اهتمام نمود.

تاون‌سند و گروه تحقیقاتی‌اش، ۱۳ شاخص را برای سنجش محرومیت و نابرابری در نظر گرفته و آن را به دو گروه محرومیت مادی و محرومیت اجتماعی تقسیم‌بندی کردند. جدول ۱، این دسته بندی را نشان می‌دهد.

جدول ۱: ابعاد پیشنهادی تاون‌سند برای اندازه گیری محرومیت

محرومیت مادی	محرومیت اجتماعی
تغذیه	حق اشتغال
پوشاک	فعالیت‌های خانوادگی
مسکن	همبستگی با جامعه
امکانات منزل مسکونی	کار (پرداخت در مواقع عادی و بیکاری)
محیط	تفریح و سرگرمی
محل مناسب	تحصیل و آموزش
	مشارکت رسمی در نهادهای اجتماعی

منبع: (www.sapidadam.com/politics/politics_1809337_faqher.htm)

همانطور که در جدول فوق ملاحظه می‌گردد، مهمترین شاخص‌های شناسایی محرومیت و نابرابری از منظر اجتماعی، نماگرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

هستند. اهمیت این شاخص‌ها به حدی است که حتی در شرایط سرمایه‌گذاریهای بزرگ اقتصادی و آماده‌سازی زیرساخت‌های مناسب، بدون توسعه‌یافتگی رفاهی – فرهنگی، جامعه دیر یا زود آن امتیازات را از دست می‌دهد. مطالعات جدید نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاریهای خارجی در طول سه دهه گذشته و به خصوص در دهه‌های آینده رابطه‌ای مستقیم با میزان توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی دارد که خود به طور روشنی ثبات و آرامش اجتماعی را نشان می‌دهد. بالعکس نبود چنین رشدی بدون شک بصورت تنش‌های اقتصادی – اجتماعی ظاهر می‌شود.

یافته‌های تحقیق

بررسی نابرابری شهری بر حسب اشتغال

یکی از عوامل موثر بر میزان درآمد هر فرد، موقعیت افراد بر مبنای اشتغال است. از آنجا که در کشور ما میزان واقعی درآمد شهروندان روشن نبوده و امکان دستیابی به ارقام آن به سادگی میسر نیست، بنابراین بررسی وضعیت اشتغال شهروندان بر اساس گروه‌های عمده شغلی و نوع پراکندگی آن، شاخص معتبری برای سنجش موقعیت اقتصادی شهروندان می‌باشد. از نظر قشربندی اجتماعی، گروه شغلی کارگران غیر ماهر یا ساده درزمره اقشار فرودست جامعه قرار می‌گیرند. از این رو برای سنجش و مقایسه موقعیت اقتصادی شهروندان مناطق بیست و دو گانه شهر تهران از شاخص تعداد و درصد کارگران ساده نسبت به کل شاغلان ده‌ساله و بیشتر استفاده می‌شود.

در سال ۱۳۷۵ در شهر تهران ۱۸۰۳۱۴۱ نفر شاغل ده‌ساله و بیشتر سرشماری شدند. از این تعداد ۱۰۹۲۳۱ نفر در گروه عمده شغلی کارگران ساده قرار داشتند. رقم مذکور برابر با ۶/۳ درصد مجموع شاغلان شهر تهران بوده است. همانطور که در جدول و نقشه مناطق بیست و دو گانه تهران بر حسب اشتغال ملاحظه می‌شود، درصد کارگران ساده در سیزده منطقه از جمله مناطق دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت، هشت،

نه، ده، یازده، سیزده، چهارده و بیست و دو کمتر از متوسط شهر بوده است. از نظر پراکندگی جغرافیایی، مناطق نامبرده در نیمه شمالی و بخش‌های مرکزی شهر واقع شده‌اند. همچنین درصد کارگران ساده در مناطق یک، دوازده، پانزده، شانزده، هفده، هجده، نوزده، بیست و بیست‌ویک بالاتر از میانگین شهر بوده است. نکته جالب توجه حضور منطقه یک (منطقه تجریش) در این گروه است که متفاوت از سایر مناطق این گروه به نظر می‌رسد. یکی از عوامل موثر بر قرار گرفتن منطقه یک در گروه فوق وجود روستاهایی است که در سال‌های اخیر با توسعه کالبدی تهران در محدوده منطقه یک شهر قرار گرفته‌اند و تعداد زیادی از کارگران در آنها ساکن هستند. به طور خلاصه بجز منطقه یک همه مناطقی که درصد اسکان کارگران بیش از میانگین شهر می‌باشد در محور جنوب شهر قرار دارند. از این رو نابرابری چشمگیری میان مناطق بیست و دوگانه مشاهده می‌گردد.

جدول ۲: تعداد و درصد کارگران نسبت به شاغلان ده‌ساله و بیشتر به تفکیک مناطق ۲۲گانه

منطقه	تعداد کارگران	درصد
سیزده	۲۰۸۹	۳
هفت	۲۶۰۶	۳/۱
چهارده	۳۵۷۵	۳/۲
پنج	٤٥٧٣	۳/۹
دو	٥٠٤٧	٤
شش	٢٦٦٦	٤/٣
هشت	٣٩٣٢	٤/٣
یازده	٢٩٨٠	٤/٥
چهار	٨٤٠٩	٤/٦
ده	٣٥٧٨	٤/٧
سه	٣٥٤٩	٤/٨
نه	٢٢٣٩٠	٥
بیست و دو	٧٠٣	٥/٢
میانگین کارگران در مناطق بیست و دوگانه: ٦/٣ درصد		
یک	٥٠١٩	٧/٥
بیست و یک	٣٧١٥	٧/٦
پانزده	١٣٠٨٧	٨/٣
شانزده	٦٣١٠	٨/٤
بیست	٨٦٧٥	٩/٧
هجده	٧٠٨٤	١٠
هفده	٧٠٠٨	١٠/١
دوازده	٦٠٧٠	١١/٦
نوزده	٦٣١٧	١١/٧

ترسیم: نگارندگان، بر مبنای جدول بیست و چهار (مرکز آمار ایران،۱۳۷۸: ۸۲–۷٤)

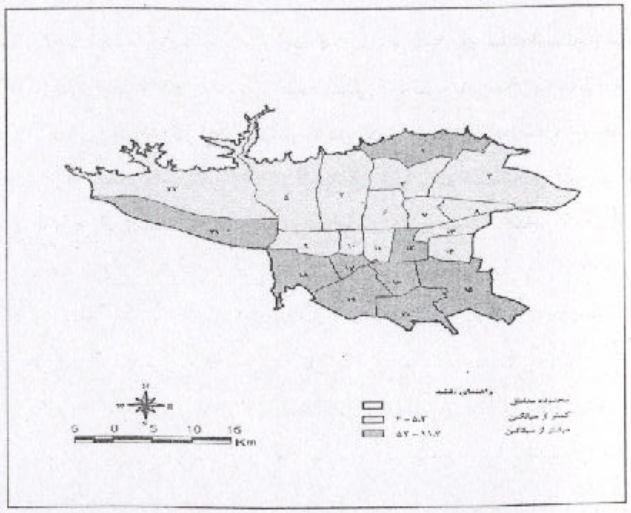

نقشه ۱: درصد کارگران نسبت به شاغلان دهساله و بیشتر به تفکیک مناطق ۲۲گانه تهران

بررسی نابرابری شهری بر حسب فقر مسکن

مسکن به عنوان یک دارایی فیزیکی می‌تواند تاثیر بسزایی بر درآمد خانوارها داشته باشد. از این‌رو یکی از نماگرهای با اهمیت اقتصادی برای سنجش میزان فقر و نابرابری، بررسی وضعیت مسکن به ویژه درصد خانوارهای چهار نفر به بالایی است که صرفاً یک اتاق برای گذران زندگی در اختیار دارند. در همین راستا درصد خانوارهای چهارنفر به بالای ساکن در یک اتاق معیار مناسبی جهت برآورد فقر خانواده‌ها و مقایسه مناطق مختلف شهرها با یکدیگر است. مرحوم دکتر حسین عظیمی، برای برآورد فقر در ایران از شاخص «تعداد خانوار چهار نفر به بالای ساکن در یک اتاق» استفاده کرده است. هنگامی که یک خانوار چهار نفره یا بیشتر ناگزیر باشند که تمام نیازهای خود را تنها در یک اتاق برطرف نمایند دلالت قوی بر فقر و محرومیت اقتصادی آنان دارد. طبق محاسبات دکتر عظیمی در سال ۱۳۶۵ در کل

کشور، ۸۵۲ هزار خانوار یا ۴/۷ میلیون نفر، صرفاً یک اتاق در اختیار داشتند. بنابراین در سال ۱۳۶۵حداقل ۴/۷ میلیون نفر در ایران در فقر می‌زیستند (عظیمی،۱۳۷۴: ۱۱۸). از آنجا که فقر غالباً رابطه نسبتاً مستقیم با افزایش تهدید نسبت به امنیت اجتماعی در شهرها دارد از این‌رو سعی می‌شود رابطه شاخص «خانوار چهارنفر به بالای ساکن در یک اتاق» به عنوان معیاری برای تشخیص فقر و محرومیت بررسی گردد.

محاسبه تعداد خانوارهای چهار نفر به بالای ساکن در یک اتاق در شهر تهران نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۵ تعداد ۴۲۵۱۱ خانوار یا ۱۷۰۰۴۴ نفر تنها یک اتاق در اختیار داشتند و ناگزیر بودند تمام نیازهای مربوط به زندگی را در همان اتاق برطرف نمایند (مرکز آمار ایران،۱۳۷۷: ۸۲-۷۴). به عبارت دیگر حداقل ۱۷۰۰۴۴ نفر در شهر تهران در محرومیت اقتصادی از نظر کمبود فضای مسکن زندگی می‌کردند. بررسی جدول و نقشه خانوارهای چهار نفر به بالای ساکن در یک اتاق بر حسب مناطق ۲۲گانه، نشان می‌دهد که پانزده منطقه، از جمله مناطق یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت، هشت، نه، ده، یازده، سیزده، چهارده، بیست و یک و بیست و دو، از موقعیت بالاتری نسبت به کل شهر برخوردارند. هفت منطقه، شامل مناطق دوازده، پانزده، شانزده، هفده، هجده، نوزده و بیست که در مناطق جنوب شهر تهران واقع شده‌اند در وضعیت نامطلوبی نسبت به میانگین شهر قرار دارند. به این ترتیب در مناطق فوق بیشترین فقر و محرومیت اقتصادی از نظر مسکن مشاهده می‌شود.

جدول ۳: خانوارهای چهار نفر به بالای ساکن در یک اتاق بر حسب مناطق ۲۲ گانه

منطقه	تعداد خانوار	درصد
پنج	۷۲۳	۱/۰
دو	۷٦۵	۱/۱
یازده	٦۸۷	۱/۲
سه	٦۰۷	۱/٦
شش	۵۳٤	۱/ ۸
سیزده	۷۳۸	۲/۱
هفت	۹۰۵	۲/۲
بیست دو	۲۱۱	۲/۳
هشت	۱۱۹۷	۲/ ٤
چهارده	۱۷۲٦	۲/۹
یک	۱۰۸۲	۳/۰
چهار	۳۵٤۷	۳/۵
ده	۱٤٤۷	۳/٦
نه	۹۹۱	۳/۸
بیست ویک	۱۲۳۱	٤/۳
میانگین خانوارهای چهار نفر به بالای ساکن در یک اتاق در مناطق ۲۲گانه:٤/۵ مناطق ۲۲ گانه		
پانزده	۵٤۸۹	۵/۹
هجده	۲٦۱۳	٦/۱
دوازده	۱۷۲۸	٦/۵
بیست	٤۷۱۲	۹/۰
شانزده	۳۹۰۱	۹/۰
هفده	٤۰۰۵	۹/۸
نوزده	۳٦۷۲	۱۱/۲

ترسیم: نگارندگان، بر مبنای جدول شانزده(مرکز آمار ایران،۱۳۷۸: ۵۸)

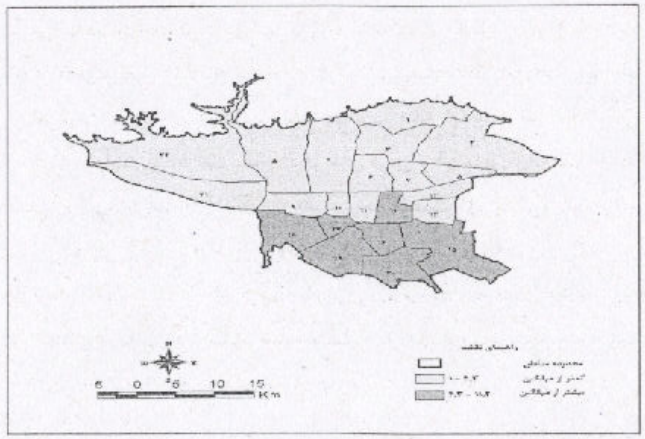

نقشه شماره۲: خانوارهای چهار نفر به بالای ساکن در یک اتاق بر حسب مناطق ۲۲ گانه

نتیجه‌گیری

در دهه‌های اخیر، مفهوم و ماهیت تهدیدات ملی به کلی تغییر کرده است. توجه اصلی برای حفظ امنیت ملی از ابعاد سنتی و نظامی تهدید، به تهدیدات غیر سنتی و غیر نظامی معطوف شده است. همچنین، امنیت ملی صرفاً در مقابله با تهاجم خارجی جستجو نمی‌شود، بلکه در شیوه مواجهه با تهدیدهای داخلی همچون مسایل اقتصادی،اجتماعی و سیاسی نیز معنا می‌یابد.کشور ما با توجه به اینکه دوران تحول و تغییرات اجتماعی و اقتصادی را می‌گذراند، شاهد نابرابری‌های چشمگیری در ساختار طبقات اقتصادی کشور می‌باشد. یکی از مهمترین شاخص‌های محرومیت، موقعیت نابرابر در کسب فرصت‌های شغلی است. پژوهش اخیر نشان می‌دهد که گروه شغلی کارگران ساده در مناطق جنوبی شهر بیش از نیمه شمالی آن متراکم هستند. همچنین بررسی‌های انجام شده راجع به پراکندگی فقر در شهر تهران حکایت از آن دارد که

مناطق متراکم فقر نیز به یکسان در شهر پراکنده نشده است. مناطق جنوب شهر تهران، حوزه‌های متمرکز فقر را تشکیل می‌دهند. بنابر شاخص‌های مورد بررسی به علت تمرکز فقر و مشاغل ابتدایی در جنوب شهر، مهمترین منابع تهدیدات امنیت اجتماعی و ملی به شمار می‌آیند. زیرا ارتقاء سطح آگاهی‌های فردی و اجتماعی از یکسو و عدم امکان دسترسی به خواسته‌های منطقی و نابرابری در فرصت‌های زندگی، بتدریج سبب گسترش نارضایتی از وضع موجود، انزوا، اعتراض، عدم ثبات و ناامنی می‌گردد. با توجه به نکات مذکور باید اذعان کرد که نابرابری و محرومیت به مثابه آن روی سکهٔ توسعه، خطری مستقیم برای امنیت جامعه بشمار می‌آیند. بنابراین هیچگونه سیاست و تدابیر امنیتی نمی‌تواند بدون عنایت و برنامه‌ریزی عمومی برای از میان برداشتن نابرابری‌ها انجام گیرد.

از این رو دستگاههای سیاسی و اجرایی کشور باید با اعمال سیاست‌های مناسب و اجرای مطلوب، از توان مناسب برای پاسخگویی به مردم و خدمات‌رسانی به آنان برخوردار باشند. با اجابت تقاضاهای مردم نه تنها بسترهای تهدید بر ضد امنیت ملی کشور برطرف خواهد گردید، بلکه زمینه‌های اقتدار نظام در ابعاد غیر سنتی و داخلی آن نیز استوار خواهد شد.

منابع و مآخذ

۱- السعید، مصطفی کامل(۱۳۸۱) مشروعیت و امنیت در کشورهای عربی، ترجمه قدیر نصری، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره شانزده.

۲- بصیری، محمد علی(۱۳۸۰) تحولات مفهوم امنیت ملی، اطلاعات سیاسی – اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۱۶۴ – ۱۶۳.

۳ – پوراحمد، احمد و کلانتری، محسن(۱۳۸۱) نقش مهاجرین در نوع و میزان جرایم ارتکابی شهر تهران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰.

٤- خلیلی، رضا(۱۳۸۱) مهاجرت نخبگان پدیده اجتماعی یا موضوع امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره شانزده.

۵- رنجبر، مقصود(۱۳۸۱) ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

٦- عظیمی، حسین(۱۳۷٤) مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصادی ایران، چاپ چهارم، تهران، نشر نی ۱۳۷٤.

۷- علیقی، امیرحسین(۱۳۸۱) جایگاه امنیت در استراتژی ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره شانزده.

۸- قریب، حسین(۱۳۷۷) تحولات طبقات اجتماعی در ایران و تهدیدات بالقوه آن، اطلاعات سیاسی – اقتصادی،سال سیزدهم، ش ۱٤٤-۱٤۳.

۹- گرب، ادوارد(۱۳۷۷) نابرابریهای اجتماعی،ترجمه محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی‌نژاد، تهران، انتشارات معاصر.

۱۰- مرکز آمار ایران(۱۳۷۸) سرشماری عمومی نفوس و مسکن، نتایج تفصیلی شهر تهران(مناطق ۲۲گانه).

۱۱- معاونت اجتماعی مسکن(۱۳۷۷) شاخص‌های توسعه شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر اقتصاد مسکن.

۱۲- موسی‌خانی، علیرضا(۱۳۸٦) نابرابری توزیع درآمد، نشریه فروغ شماره ۲۳.

13-Haftendorn, Helga (1991) The Security Puzzle, Theory Building and Discipline Building in International Security, International Studies Quarterly, No 35.

14- http://www.bedoonemarz.com/sina/left/poverty02.htm

15- http://fa.wikisource.org/wiki

16- http://www.sapidadam.com/politics/politics_1809337_faqher.htm

17- http://www.src.ac.ir/news.htm#newsn8

18-Klans, K, Frank (1971) Economic Issues and National Security, First Edition, Lawrence, University Press of Kansas.

19- Peterson. Peter. and James, K, (1985) Sebenius the Primacy of the Domestic Agenda in Alison and Treverton, Rethinking America Security.